

# بررسی آزمایشی اثر خلق و حالت عاطفی در یادآوری انتخابی اطلاعات

مجید محمود علیلو

دانشگاه تبریز

## چکیده:

در این پژوهش اثر خلق و حالت عاطفی بر حافظه در نقطه یادآوری اطلاعات از طریق یک طرح القای آزمایشی خلق مورد بررسی قرار گرفته است. فرض کلی بر این بود که افراد مورد آزمایش، اطلاعات هماهنگ با خلق را بیشتر از اطلاعات ناهماهنگ با آن یادآوری خواهند نمود. برای آزمون فرضیه فوق ۲۵ نفر آزمودنی به‌نحی از میان دانشجویان انتخاب شدند و به فرعه در یکی از سه گروه آزمایشی (یک گروه تنبیه، یک گروه تقویت و یک گروه کنترل) قرار گرفتند. سپس آزمایشهای لازم به عمل آمد. نتایج بدست آمده در حالت کلی، فرضیه‌ها را تایید نمودند. تلویحات نظری و عملی نتایج به تفصیل در بخش آخر مورد بحث قرار گرفته‌اند.

بررسی اثر خلق<sup>۱</sup> و حالت عاطفی<sup>۲</sup> بر حافظه یکی از زمینه‌های پژوهشی مورد علاقه‌ی روان‌شناختی بالینی در دهه‌های اخیر بوده است. چندین نظریه برای توجیه و تبیین پدیده‌ی فوق مطرح گشته و پژوهشهای

متعددی در این زمینه شکل گرفته است (بعنوان مثال، باور<sup>۳</sup>، ۱۹۸۱، زایونک<sup>۴</sup>، ۱۹۸۰، بلسانی<sup>۵</sup>، ۱۹۸۶). يك چهارچوب نظری نافذ برای توجیه و تبیین اثرات خلق، نظریه هماهنگی خلقی<sup>۶</sup>، می باشد. این نظریه بیان می دارد که حالت‌های خلقی موجود و جاری موجب تسهیل در یادآوری اطلاعات قبلا فرا گرفته شده از حافظه می گردد. این نظریه با مفهوم نظری «تسهیل<sup>۷</sup> عاطفی» هماهنگ است. بدین مفهوم که عاطفه ی مسلط پردازش اطلاعات هماهنگ با خود را تسهیل می کند و موجب جذب و یا یادآوری مواد اطلاعاتی هماهنگ با خود می گردد (واتکینز<sup>۸</sup>، ۱۹۹۲). در مجموعه یی از مطالعات تیسدل<sup>۹</sup> و شاگردانش (۱۹۸۰) خلق شاد و افسرده را در آزمودنیهای خویش ایجاد نمودند و حافظه ی مربوط به تجارب و رویدادهای شخصی آنها را با تجربیات خوشایند و ناخوشایند گذشته بررسی کردند. آنها نشان دادند که آزمودنیهای در خلق شاد، حافظه های خوشایند، و در خلق افسرده، تجارب ناخوشایند را بیشتر یادآوری می نمایند. چنین اثراتی همچنین با استفاده از مواد کلامی مثبت و منفی نیز نشان داده شده است. ایزین<sup>۱۰</sup> و همکاران (۱۹۷۸) گزارش نمودند، موقعی که آزمودنیها در بازیهای کامپیوتری موفق می شدند، واژه های مربوط به صفات مثبت شخصیتی را بیشتر یادآوری می نمودند. تیسدل و راسل<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۳) یافته های ایزین و همکارانش را با بکارگیری يك روش القای خلق مورد باز آزمایشی قرار دادند. آزمودنیهای آنها در خلق افسرده لغات مربوط به صفات شخصیتی منفی را بیشتر از صفات مثبت یادآوری کردند. در مورد صفات شخصیتی مثبت نتایج آنها مشابه با نتایج ایزین و همکارانش بود. کلارك<sup>۱۲</sup> و تیسدل (۱۹۸۲) در يك بررسی دریافتند که تعامل بین نوع حالت خلقی و میزان خوشایندی واژه های مربوط به صفات شخصیتی قابل پیش بینی است. گزارشهای مربوط به تاثیرات ناشی از هماهنگی خلقی در مطالعات انجام شده روی افرادی که به طور طبیعی تفاوت‌های خلقی با یکدیگر دارند، نیز یافت می شود. هم دانشجویان افسرده ی خفیف و هم بیماران افسرده ی بالینی متمایل هستند که تعداد شکستها و ناکامیهای خود را بیشتر از پیروزیها و موفقیت هایشان برآورد نمایند و در یادآوری مواد کلامی به نفع اطلاعات منفی از خود سوگیری نشان می دهند (کرایهد<sup>۱۳</sup> و دمونبرون<sup>۱۴</sup>، ۱۹۷۷، جانسون<sup>۱۵</sup> و ماگارو<sup>۱۶</sup>، ۱۹۸۷). این اثرات موقعی که از آزمودنی خواسته می شود تا صفات خودارجاعی را یادآوری نمایند تشدید می گردد. به عنوان مثال، برادلی<sup>۱۷</sup> و ماتیسوس<sup>۱۸</sup> (۱۹۸۳)

دریافتند که بیماران افسرده در مقایسه با گروه کنترل غیر روان پزشکی، صفات خودارجاعی منفی را بیشتر از صفات مثبت یادآوری می نمایند. آزمایشهایی که با شیوه ی القای خلق به عمل آمده است، در اکثر موارد یادآوری هماهنگ با خلق را نشان داده است. بلانی (۱۹۸۶) در يك بازبینی جامع حدود سی تا از این پژوهشها را بررسی کرده است، در اکثر قریب به اتفاق این آزمایشها که با استفاده از روشهای گوناگون القای خلق به عمل آمده اند، تاثیرات هماهنگی خلقی مشاهده شده است. شیوه القای خلق روش ناب و موثری برای نشان دادن اثر خلق و عاطفه می باشد (بلانی، ۱۹۸۶). این موضوع که اثر خلق در مرحله ی رمزگردانی اطلاعات اتفاق می افتد یا در مرحله ی یادآوری، به طور دقیق تا کنون مورد بررسی جدی آزمایشی قرار نگرفته است. در آزمایش حاضر اثر خلق و حالت عاطفی در مرحله یادآوری اطلاعات در قالب يك طرح آزمایشی القای خلق مورد بررسی قرار گرفته است. در چهارچوب مفهوم نظری هماهنگی خلقی فرضیه های زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

فرضیه اول: افرادی که در موقعیت آزمایشی خلق افسرده (گروه تنبیه) قرار گرفته اند نسبت به دو گروه دیگر اطلاعات ناخوشایند عاطفی را بیشتر یادآوری می نمایند.

فرضیه دوم: افرادی که در موقعیت آزمایشی خلق شاد (گروه تشویق) قرار گرفته اند نسبت به دو گروه دیگر اطلاعات خوشایند عاطفی را بیشتر یادآوری می کنند.

## روش

**طرح پژوهش:** این پژوهش از نوع پژوهشهای آزمایشی می باشد. متغیر مستقل در این پژوهش فیدبکهای مثبت و منفی که توسط آزمایشگر و به دلخواه به گروههای آزمایشی ارائه می شود، می باشد. متغیر وابسته میزان یادآوری واژه های خوشایند و ناخوشایند عاطفی می باشد که قبل از آزمایش برای آنها خوانده شده است.

**آزمودنیها:** آزمودنیهای پژوهش از میان دانشجویان دانشگاه انتخاب شدند. همه ی آزمودنیها از نظر عاملهای سن، جنس، سطح اقتصادی- اجتماعی و میزان تحصیلات با یکدیگر مشابه و همتا بودند. آزمودنیها از نظر عامل افسردگی با آزمون افسردگی بك کنترل شدند. کسانی که در این آزمون نمره زیر ۸ گرفته بودند، انتخاب شدند، همچنین با آزمودنیها مصاحبه تشخیصی بر اساس ملاکهای تشخیصی افسردگی

خفیف و هیپومانیا به عمل آمد تا افسردگی یا هیپومانیک بودن احتمالی آزمودنیها کنترل گردد. تعداد کل آزمودنیها ۴۵ نفر بودند که بطور تصادفی به سه گروه ۱۵ نفری تقسیم شدند و هر گروه به قرعه در یکی از موقعیتهای آزمایشی قرار گرفت.

جدول ۱- مشخصات سنی، جنسی، تحصیلی و اجتماعی- اقتصادی آزمودنیها

گروهها	تعداد	میانگین سنی	جنس	میزان تحصیل	سطح اجتماعی- اقتصادی
خلق افسرده	۱۵	۲۲/۳۰	مذکر	دانشجو	متوسط
خلق شاد	۱۵	۲۲/۷۰	مذکر	دانشجو	متوسط
گروه کنترل	۱۵	۲۲/۵۰	مذکر	دانشجو	متوسط

### ابزارهای تحقیق - تکلیف موفقیت/ ناکامی

برای القای حالت‌های عاطفی مورد نظر از روش ارائه آزمایشی تکالیف موفقیت/ ناکامی استفاده شد. این روش یکی از شش روش موفق القای خلق در آزمایشهای مربوطه می باشد (بلانی، ۱۹۸۶) منطق استفاده از این روش براین اصل استوار است که تجربه ناکامی افسردگی زا بوده و تجربه موفقیت موجب عاطفه مثبت می گردد. برای این منظور ۴۰ هجای بی معنی انتخاب و هر کدام بر روی يك کارت نوشته شدند. سپس برای هر هجای معنی، چهار هجای دیگری که همگی به يك اندازه با هجای اولی مشابه بودند انتخاب و بر روی کارت‌های جداگانه قید گردیدند. يك نمونه از هجاهای بی معنی در اینجا آورده می شوند:

کارت محرك جاد      کارت جواب خاد      خاد      ثاد      غاد      قاد

در حقیقت پاسخ درستی وجود نداشت و همه ی هجاهای قید شده بر روی کارت جواب به يك اندازه و از يك نظر با کارت محرك مشابه بودند. شیوه ی آزمایش طوری طراحی شده بود که آزمایشگر موافق طرح پژوهش و متناسب با وضعیت گروهها به آزمودنیهای گروه خلق افسرده (گروه تنبیه) در اکثریت موارد (۷۰٪) فیدبکهای منفی و به افراد گروه خلق شاد (گروه تشویق) به همین میزان فیدبکهای مثبت ارائه می کرد. میزان فیدبک های مثبت و منفی ارائه شده به افراد گروه کنترل مساوی (۵۰٪ منفی و ۵۰٪ مثبت) بود.

آزمون حافظه: برای ارزیابی حافظه آزمودنیها از آزمون دنی<sup>۱۹</sup> و هانت<sup>۲۰</sup> (۱۹۹۲) استفاده شد. این

آزمون از ۴۸ واژه تشکیل شده است که ۲۴ واژه آن از نظر عاطفی مثبت و ۲۴ واژه دیگر از نظر عاطفی منفی می باشد. این واژه ها به صورت صفت طراحی شده اند و بنابراین به آسانی می توانند با حافظه شخصی آزمودنیها ارتباط برقرار نمایند و حالت خود ارجاعی پیدا کنند و به همین خاطر یادآوری بعدی آنها به دلیل بار عاطفی مثبت یا منفی که دارند تحت تاثیر خلق مسلط و جاری زمان یادآوری قرار می گیرد.

تاکیس توسکوپ:<sup>۲۱</sup> این دستگاه در اصل برای سنجش آستانه ی احساس و ادراک بینایی طراحی شده است و می تواند محرکهای تصویری را تا یک هزارم ثانیه به آزمودنی ارائه دهد. در پژوهش حاضر از این دستگاه برای نمایش کارتهای هجاهای بی معنی استفاده شد.

شیوه ی اجرا: اجرای آزمایش فردی بود. ابتدا واژه های مورد استفاده در آزمون حافظه دو مرتبه و هربار با ترتیب تصادفی برای آزمودنی خوانده شد و سپس آزمایش مربوطه به عمل آمد. آزمودنی جلوی تاکیس توسکوپ می نشست و کارت محرك که يك هجای بی معنی روی آن نوشته شده بود به مدت ۲ ثانیه به او نشان داده می شد و سپس کارت جواب که چهار هجا روی آن نوشته شده بود به مدت ۴ ثانیه نمایش داده می شد. تکلیف آزمودنی این بود که مشخص کند کدام يك از هجاها بیشترین شباهت را با هجای اولیه دارد. از آنجا که جواب درستی وجود نداشت و همه ی جوابها به يك اندازه مشابه با هجای اولی بود، آزمایشگر می توانست صرف نظر از نوع پاسخ آزمودنی، به دلخواه و متناسب با وضعیت گروهها فیدبک منفی و یا مثبت بدهد. بدین ترتیب به گروه خلق افسرده در ۷۰٪ موارد فیدبک منفی و به گروه خلق شاد در ۷۰٪ موارد فیدبک مثبت و به گروه کنترل به مقدار مساوی فیدبکهای مثبت و منفی داده شد. بعد از اتمام آزمایش يك کاغذ به آزمودنیها داده شد و به آنها گفته شد که هرچه از کلمات ارائه شده قبل از آزمایش را بخاطر دارند، روی آن بنویسند. واژه های یادآوری شده از نظر بار عاطفی طبقه بندی شده و برای هر واژه يك نمره داده شد.

## نتایج

نتایج حاصل از آزمون حافظه در قالب دو طرح، تحلیل و اربانس يك عاملی برای یادآوریهای منفی و مثبت عاطفی مورد بررسی قرار گرفت. جدول شماره دو میانگین و انحراف معیار یادآوری گروهها برای

واژه های منفی عاطفی را نشان می دهد.

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار یادآوری گروهها برای واژه های منفی عاطفی

گروهها	نمونه	میانگین	انحراف معیار
خلق افسرده	۱۵	۹/۶۶	۳/۱۰
خلق شاد	۱۵	۴/۶۶	۲/۱۶
کنترل	۱۵	۷/۳۳	۲/۷

جدول شماره ۳ نتایج تحلیل و اریانس يك عاملی داده های مربوط به جدول شماره ۲ را نشان می دهد.

جدول ۳- تحلیل واریانس نمره های گروهها در یادآوری واژه های منفی عاطفی

منابع تغییر	SS	df	MS	F	P
بین گروهها	۱۸۶/۶۶	۲	۹۳/۳۳	۴۴/۶۵	<۰/۱
درون گروهها	۸۸	۴۲	۲/۰۹		
کل	۲۷۴/۶۶	۴۴			

آزمون فرضیه اول تحقیق: فرضیه اول تحقیق بیان می کرد که افراد گروه خلق افسرده (تنبیه) در مقایسه با دو گروه دیگر واژه های منفی عاطفی را بیشتر یادآوری می نمایند. همان طوری که در جدول ۳ مشاهده می شود تحلیل واریانس اثر متغیر آزمایشی را معنی دار نشان داد. F بدست آمده (مقدار ۴۴/۶۵) از F قابل انتظار (مقدار ۵/۱۸) در سطح ۰/۹۹ اطمینان بزرگتر است. برای مقایسه گروه خلق افسرده با دو گروه دیگر از روش t شفه استفاده شد. مقدار t بدست آمده (۸/۵۱) از t مورد انتظار (مقدار ۲/۵۴) در سطح ۰/۹۹ اطمینان بزرگتر است. بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید شد.

جدول ۴- میانگین و انحراف معیار یادآوری گروهها برای واژه های مثبت عاطفی

گروهها	نمونه	میانگین	انحراف معیار
خلق افسرده	۱۵	۵/۲	۲/۲۸
خلق شاد	۱۵	۸/۷۳	۲/۹۵
کنترل	۱۵	۶/۶۶	۲/۵۸

در مورد داده های جدول شماره ۴ تحلیل واریانس يك عامل به عمل آمد نتایج در جدول شماره ۵ آمده است.

جدول ۵- تحلیل واریانس نمره های گروهها در یادآوری واژه های مثبت عاطفی

منابع تغییر	SS	df	MS	F	P
بین گروهها	۹۴/۵۳	۲	۴۷/۲۶	۳۴/۵	<۰/۱
درون گروهها	۵۷/۶۷	۴۲	۱/۳۷		
کل	۱۵۲/۲۰	۴۴			

آزمون فرضیه دوم تحقیق: فرضیه دوم تحقیق بیان می کرد که افراد گروه خلق شاد (تشویق) در مقایسه با دو گروه دیگر واژه های مثبت عاطفی را بیشتر یادآوری می کنند. آزمون تحلیل واریانس تفاوت گروهها را معنی دار نشان داد F بدست آمده (مقدار ۳۴/۵) از F قابل انتظار (مقدار ۵/۱۸) در سطح ۰/۹۹. اطمینان بزرگتر است. برای سنجش تفاوت گروه خلق شاد با دو گروه دیگر از روش t شفه استفاده شده t مشاهده شده شفه (مقدار ۲/۲۲) از t قابل انتظار (مقدار ۲/۵۴) در سطح ۰/۹۵. اطمینان کوچکتر است. در نتیجه مشخص شد که تفاوت مشاهده شده در آزمون F ناشی از تفاوت گروه خلق شاد با مجموع دو گروه دیگر نیست. بنابراین، از روش مقایسه ی دو به دو میانگینها استفاده شد. مقایسه گروه خلق شاد با گروه خلق افسرده تفاوت را معنی دار نشان داد. t مشاهده شده (مقدار ۳/۱۵) با ۰/۹۵ اطمینان از t مورد انتظار (۲/۵۴) به نحو معنی دار بزرگتر است، بنابراین يك بخش از فرضیه دوم تأیید شد. مقایسه دو گروه خلق شاد و کنترل تفاوت را معنی دار نشان نداد. t مشاهده شده (مقدار ۱/۸۴) از t مورد انتظار (مقدار ۲/۵۴) در سطح ۰/۹۵ اطمینان کوچکتر است بنابراین تفاوت معنی دار نیست.

**بحث**

قبل از ورود به بحث در مورد نتایج، توضیح این نکته ضروری است که استفاده از شیوه ی تکالیف ناکامی/موفقیت در آزمایشهای القای خلق بر این منطق استوار است که اساسا تجربه شکست افسردگی آور بوده و تجربه موفقیت عزت نفس را بالا برده و موجب احساس ارزش و خلق مثبت در فرد می گردد. بلاتی (۱۹۸۶) از این روش به عنوان یکی از موفق ترین روشهای القای خلق نام برده است. این روش به همراه روش ولتن و روش موسیقی بیشترین کاربرد را در آزمایشهای مربوطه داشته است (بلاتی، ۱۹۸۶).

همان طوری که در بخش نتایج مشاهده شد، فرضیه ی اول این تحقیق مبنی بر یادآوری بیشتر مواد منفی عاطفی در گروه خلق افسرده (تنبیه) در مقایسه با دو گروه دیگر، با ضریب اطمینان بالایی تایید شد، نتایج این پژوهش با توجه به این که به طور دقیق تاثیر خلق را در مرحله ی یادآوری - و نه در مرحله ی رمزگردانی - مورد بررسی قرار داده است تاییدی بر نظریه ی یادآوری هماهنگ با خلق می باشد. بدین مفهوم که خلق و حالت عاطفی فراخوانی اطلاعات از حافظه را تحت تاثیر اثرات پردازشی خود قرار داده و در واقع یادآوری اطلاعات هماهنگ با خود را تسهیل نموده است. پدیده یی که توسط فورگاس<sup>۳۲</sup> (۱۹۹۲) و واتسکینز (۱۹۹۲) مورد تاکید قرار گرفته است. این یافته همچنین با یافته های پژوهشی پیشین (به عنوان مثال، کلارک و تیسدال، ۱۹۸۵) هماهنگ می باشد. یافته های این پژوهش در چهارچوب الگوی شبکه ی تداعی<sup>۳۳</sup> حافظه (یاور، ۱۹۸۱) نیز قابل تبیین است. در این نظریه گفته می شود که فعال شدن يك واحد عاطفی در ذهن، موجب فعال شدن واحدهای همبسته با خود می گردد و در نتیجه اطلاعات هماهنگ با خود را وارد آگاهی فرد می کند. پدیده یی که در تحقیق حاضر نیز مشاهده شد، افراد گروه خلق افسرده، هماهنگ با عاطفه ی منفی شان، اطلاعات منفی را بیشتر یادآوری نمودند. در مورد فرضیه ی دوم تحقیق یافته جالبی بدست آمد: گروه خلق شاد با گروه خلق افسرده تفاوت آماری معنی دار داشتند و این بخش از فرضیه تایید گشت لکن در مورد گروه کنترل تفاوت آماری معنی دار نبود. این پدیده در تحقیق دیگر نگارنده (محمود علیلو و عشایری، ۱۳۷۲) نیز مشاهده گردید. بروین<sup>۳۴</sup> (۱۹۸۸) مطرح کرده است که خلق بیش از آن که موجب افزایش در یادآوری خاطرات و یا مواد حافظه یی هماهنگ و متناسب با خود گردد، اثرات خود را به صورت کاهش و بازداری در یادآوری خاطره ها و مواد حافظه یی ناهماهنگ با خود نشان می دهد. به نظرمی رسد



که این نظر در مورد تاثیرات پردازشی خلق شاد صادق باشد، همان طوری که در پژوهش حاضر و پژوهش قبلی نگارنده نیز نتایج هماهنگ با آن بدست آمده است. بدین معنی که اثر خلق شاد بیشتر بصورت بازداری در فراخوانی اطلاعات ناهماهنگ با خود ظاهر می گردد. از نظر تلویحات عملی، این پژوهش نشان می دهد که می توان با دستکاری محیط و فراهم نمودن امکان تجربیات موفقیت آمیز برای افراد افسرده، خلق و حالت عاطفی آنها را تغییر داده و از این طریق موجبات تغییر شناخت را فراهم ساخت. همان طوری که در نتایج مشاهده گردید با تغییر خلق می توان در حافظه تغییرات قابل پیش بینی به عمل آورد و اگر وجود حافظه منفی و متمرکز بر خود عامل ابقا و تداوم افسردگی است (اینگرام<sup>۲۵</sup>، ۱۹۸۴)، با تغییر حافظه از طریق تغییر خلق میتوان به درمان اختلالات عاطفی کمک نمود. شیوه ی بکار رفته در این آزمایش نشان می دهد که با فراهم نمودن امکان تجربیات مثبت و موفق می توان احساس ارزشمندی را بالا برد و خلق خوشایند ایجاد نمود، همین طور، وجود تجارب منفی و مکرر شکست و ناکامی موجب احساس عدم اعتماد به نفس و افسردگی می گردد. در نتیجه گیری می توان گفت که با دستکاری تجربیات محیطی افراد دچار اختلالهای عاطفی می توان راهبردهای موفق را در پیشگیری و نیز درمان این اختلالات توسعه داد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

★ پانوشتها:

- 1) mood
- 2) affective
- 3) Bower
- 4) Zajonc
- 5) Blaney
- 6) mood congruence
- 7) priming
- 8) Watkins
- 9) Teasdale
- 10) Isen
- 11) Russell
- 12) Clark
- 13) Craighead
- 14) Demonbreun

- 15) Johnson
- 16) Magaro
- 17) Bradley
- 18) Mathews
- 19) Denny
- 20) Hunt
- 21) Forgas
- 22) associative network
- 23) Brewin
- 24) Ingram

## References

- 1) Blaney,P.H.(1986). Affect and memory: A Review. psychological Bulletin. Vol.22.No.2.
- 2) Bower, G.H.(1981).Mood and memory. American psychologist ,36,129-148.
- 3) Bradley,B., and, Mathews,A.(1983). Negative self schemata in clinical depression. British Journal of clinical psychology ,22,173-181.
- 4) Brewin,chris R.(1988). cognitive foundations of clinical psychology . Lawrence erlbaum associates publishers, U.K.
- 5) Clark,D.M. and, Teasdale, J.D.(1982). Diurnal variation in clinical depression and accessibility of memories of positive and negative experiences. Journal of abnormal psychology , 91,87- 95.
- 6) Demonbreun B.G. and craighead, W.E.(1977).Distortion of perception and recall of positive and neutral feedback in depression. cognitive therapy and research ,1,311,329.
- 7) Denny,E.B.,and, Hunt R.R.(1992). Affective valence and memory in depression: Dissociation of Recall and fragment completion. Journal of abnormal psychology ,101,575-580.
- 8) Forgas,J.P. (1992). Mood and the perception of unusual people: Affective asymmetry in memory and social Judgements. European Journal of social psychology .22.,531-547.
- 9) Ingram,R.E.(1984b). Toward on information processing analysis of depression.

Cognitive therapy and research , 8,443-478.

10) Isen,A.M.(1984).Toward understanding the role of affect in cognition . In R.S.wyer and T.K. srull (Eds).Handbook of social cognition (vol.,3,pp.179-236), Hillsdale, NJ. Erlbaum.

11) Johnson, M.H., and Magaro, P.A.(1987). effects of mood and severity on memory processes in depression. psychological Bulletin , 101, 28-40.

12) Teasdale,J.D., Taylor,R., and fogarty, S.J (1980). effects of induced elation-depression on the accessibility of memories of happy and unhappy experiences. Behavior Research and therapy,18,339-346.

13) Teasdale, J.D. and, Russell, M.L. (1983). Differential effects of induced mood on the recall of positive, negative, and neutral words. British Journal of clinical psychology ,22, 163-171.

14) Watkins, P.C., Mathews,A., williamson, D.A. and fuller, R.D. (1992). Mood-congruent memory in depression: emotional priming or elaboration. Journal of abnormal psychology ,101, 581-586.

15) Zajonc.R.B.(1980). feeling and thinking: preferences need no inferences. American psychologist ,35,151-175.

شپرشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



پرو، شہسگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی